



مدیران موفق در سازمان چگونه عمل می کنند؟

مدیران می کوشند که در بین خود و کارمندان، اعتماد به وجود آورند و سعی دارند باشناخت مشکلات کارمندان خود در جهت رفع آنها در حد توان تلاش کنند. این گونه مدیران هنگام بروز مشکل هرگز آشفتگی نمی شوند، بلکه ایجاد مشکل در سیستم و سازمان را امری طبیعی البته در حد معقول و استاندارد می دانند و سعی در این دارند که از مشکلات تجربه کسب کنند. اگر این نباشد و همه کارها بر وفق مراد باشد که سازمان، سازمان نیست و آن هم مدیر نیست چون به هر ترتیب، سازمان دارای مشکلات و افت و خیزهای خاص خود است و همین مسائل است که باعث پخته شدن مدیر و کارکنان می شود.

به قول بسیاری از اندیشمندان هدایت و کنترل کشتی، در آبهای صاف و زیر آسمان آبی بدون باد و موج، برای هر کسی آسان است. آنچه مهم است دادن سکان کشتی به ناخدایی است که آن را در میان امواج، طوفان و موج های سنگین، کشتی را به سلامت به ساحل برساند.

با تکیه بر منصب و قدرت مدیریت نکند

مدیران موفق هیچگاه از قدرت و جایگاه سازمانی خود برای مدیریت کردن استفاده نمی کنند، بلکه با نفوذ کلام و ایجاد اعتماد در میان کارکنان مدیریت می کنند. مدیریت آنها بر اساس صدا و تصویر خودشان است. برخی گمان می کنند تبعیت، ترس و فرمانبرداری محض کارکنان از آنها نشانه ای از قدرت مدیریت شان است. این دسته از مدیران تصور می کنند که علت مدیر شدن آنها اطلاعات و آگاهی بیشترشان است. اما باید بدانیم که دیگر عصر این نوع مدیریت ها گذشته است، امروزه مدیریت بر اساس اشتراک در اصول ارزشی، واقع بینی و اشتراک در آرمان هاست. مدیر باید در ایجاد و حفظ این اشتراکات تلاش کند، اندیشه و روشنفکری تا زمانی که به عمل در نیاید، معنا و مفهوم ندارد.